

واژگان درس دوم کتاب زبان یازدهم – صفحه ۱

a bit	کمی ، اندکی	cultural	فرهنگی	fill	پر کردن
a long time	مدت طولانی	cure	درمان، معالجه کردن	finish	تمام کردن
above all	علاوه بر این، مخصوصاً	cycling	دوچرخه سواری	for sure	با اطمینان
accident	حادثه، تصادف	daily exercise	ورزش روزانه	forbid	ممنوع کردن
addict	معتاد	danger	خطر	forbidden	ممنوع
addiction	اعتیاد	dangerous	خطرناک	frequency	تکرار
again	دوباره	death	مرگ	fully	به طور کامل
ago	قبل، پیش	decrease	کاهش یافتن	gain weight	وزن اضافه کردن
ahead	جلو ، پیش رو	definition	تعریف	general health	سلامت کلی
all right	بسیار خوب	depressed	افسرده، غمگین	gerund	اسم مصدر
alone	تنها، به تنهایی	details	جزئیات	get up	برخاستن
amount	مقدار	development	توسعه ، پیشرفت	give up	دست کشیدن، رها کردن
another thing	چیز دیگر	device	ابزار ، دستگاه	go away	دور شدن
around	حدوداً ، تقریباً	diet	رژیم غذایی	go out	بیرون رفتن
asleep	خوابیده	disagree	مخالفت کردن	goal	هدف
avoid	اجتناب کردن	discuss	بحث کردن	grocery	خوراوبار، بقالی
balanced	متعادل، متوازن	disease	بیماری	grow up	بزرگ شدن
behave	رفتار کردن	dish	غذا، ظرف غذا	guess	حدس زدن
biking	دوچرخه سواری	dislike	تنفر داشتن	habit	عادت
blood pressure	فشار خون	disorder	اختلال، بی نظمی	hang out	با دوستان وقت گذراندن
brain	مغز	each other	یکدیگر	happen	اتفاق افتادن
busy	مشغول	early stages	مراحل اولیه	happiness	شادی
call back	بعداً تلفن کردن	education	تحصیل ، آموزش	harm	آسیب، صدمه زدن
calm	آرام	effect	اثر ، تاثیر	harmful	مضر
candy	آب نبات	effective	موثر	healthier	سالم تر
carrot	هویج	emotion	احساس	hearing	شنوایی
carry	حمل کردن، بردن	emotional	احساسی	heart attack	حمله ی قلبی
certain	معین ، خاص، مطمئن	enable	قادر ساختن	heartbeat	ضربان قلب
check in	وارد شدن به هتل	enough	کافی	history	تاریخ
climb	بالا رفتن	especially	مخصوصاً	hobby	سرگرمی
come back	برگشتن	event	رویداد، واقعه	homeless	بی خانمان
come on!	زود باش!	exciting	هیجان انگیز	homemade dish	غذای خانگی
condition	وضعیت	experience	تجربه	how often	چند وقت یک بار
confuse	گیج کردن، اشتباه کردن	factor	عامل	hurry up	عجله کردن
couch potato	بی تحرک، تنبل	favorite	محبوب ، مورد علاقه	illness	بیماری
creative	خلاق	feel	احساس کردن	image	تصور

واژگان درس دوم کتاب زبان یازدهم - صفحه ۲

imagine	تصور کردن	mission	ماموریت	sailing	قایق سواری کردن
impatient	بی صبر ، بی قرار	movie	فیلم	scanner	پیمایش کننده
impossible	غیر ممکن	natural	طبیعی	scientific	علمی
in particular	به ویژه	neighbor	همسایه	serve	خدمت کردن
in this way	بدین طریق	nervous	عصبی ، مضطرب	service	خدمت
incomplete	ناکامل، ناقص	normal	طبیعی ، معمولی	serving	پُرس غذا
incorrect	نا درست	note	نکته ، یاد داشت	shut	بستن
increase	افزایش یافتن	notice	توجه کردن ، تابلو	skim	نگاه سریع به متن
invention	اختراع	noun maker	اسم ساز	smartphone	گوشی هوشمند
invitation	دعوت	oil	روغن ، نفت	smoker	سیگاری
jogging	پیاده روی تند	onion	پیاز	social	اجتماعی
join	ملحق شدن	opposite	متضاد	socialize	اجتماعی کردن
junk food	غذای ناسالم، هله هوله	paper boat	قایق کاغذی	special	خاص ، ویژه
keep on	ادامه دادن	pattern	طرح ، الگو	specialist	متخصص
key point	نکته ی کلیدی	praying	دعا ، نیایش	spend	گذراندن
laughter	خنده	predict	پیش بینی کردن	sportsperson	فرد ورزشکار
lifestyle	شیوه ی زندگی	prefer	ترجیح دادن	stay	ماندن، اقامت کردن
limit	محدود کردن، محدوده	prefix	پیشوند	step	گام ، مرحله ، پله
line	سطر ، خط	prepare	آماده کردن	still	هنوز
look after	مراقبت کردن	preposition	حرف اضافه	suffix	پسوند
look back	نگاهی به عقب انداختن	press	فشار دادن، اتو کردن	suggest	پیشنهاد کردن
look out	مواظب بودن	prevent	جلوگیری کردن	take away	از بین بردن، کم کردن
lose weight	وزن کم کردن	properly	به طور درست	take part in	مشارکت کردن
main idea	ایده ی اصلی	proportion	سهم ، نسبت	take time	زمان بردن، طول کشیدن
make noise	سروصدا کردن	pyramid	هرم	title	عنوان
manner	روش ، حالت ، شیوه	quince	به (میوه)	topic	موضوع
meaning	معنا، مفهوم	quit	رها کردن	towards	به سمت
measure	اندازه گیری کردن	rarely	به ندرت	translate	ترجمه کردن
medical	مربوط به پزشکی	reality	واقعیت	turn off	خاموش کردن
medicine	دارو ، رشته ی پزشکی	recreational	تفریحی	vacuum cleaner	جارو برقی
member	عضو	regular	منظم ، مرتب	valuable	ارزشمند
middle	میان ، وسط	relate to	مرتبط با	various	متنوع ، گوناگون
middy	نیم روز	relationship	رابطه	wake up	بیدار شدن
mind	اهمیت دادن	replay	باز پخش کردن	watch out	مراقب بودن
mineral	ماده ی معدنی	rush	شتاب کردن، تعجیل	wellness	سلامتی
miracle	معجزه	sadly	متأسفانه	win	برنده شدن